

# سیاست

یادداشت

## سواری گرفتن اغتشاشگران از اعتراضات مردمی

ادامه از صفحه یک

برای انتخاب کارگزاران بستری تحت عنوان «انتخابات» وجود دارد. برای فعالیت‌های جمعی سیاسی، قالب تشکل‌ها و احزاب سیاسی موجود است و برای اعتراضات از قالب تجمع استفاده می‌کنیم.

ساختاری مانند احزاب به هزار و یک دلیل تاریخی و علمی در کشور ما پا نگرفته و نمی‌گیرد. به همین خاطر است که می‌گوییم باید برای فعالیت سیاسی جمعی‌مان، قالبی بومی و متناسب با زیست جمعی خودمان طراحی کنیم و مثلاً ساختاری مانند مسجد و هیأت‌های مذهبی را که در دوره‌های مختلف تاریخی خاستگاه فعالیت اجتماعی سیاسی بودند، بار دیگر احیا کنیم.

در این میان وضعیت نامساعدتر، متوجه تجمعات اعتراضی است. چرا که اعتراض «شکل سلبی» مشارکت مردم است. اما به جهت سلبی بودن و «پیام منفی» که با خود حمل می‌کند همیشه «مردمی» باقی نمی‌ماند. اغلب اوقات از دست مردم خارج می‌شود و زیر دست و پای فرصت طلبان اغتشاشگر می‌افتد. می‌شود زمینی که اغتشاشگران در آن بلوا می‌کنند و آشوب درو می‌کنند. می‌شود نقطه پاشیدن غبار در چشم معترض تا نبیند که فرصت برگزاری تجمع اعتراضی و مطالبه مدنی فقط در چهارچوب یک حاکمیت مردمی، رسمی و مستقر یعنی جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر است.

پس اگر در دل یک اعتراض، جریانی خواهان از ریشه درآوردن حاکمیت قانون باشد، عملاً مخالف اعتراض مردم است. چون همان قانونی (اصل ۲۷ قانون اساسی) که حق اعتراض مردم را طراحی کرده، برای آن حدود و ثغور هم در نظر گرفته و آن را تا مرز امنیت همان مردم و مبانی اسلام و دین رسمی جامعه به رسمیت شناخته.

حالا آنچه در این میان مسأله است شکل اجرایی اصل ۲۷ قانون اساسی یعنی نحوه برگزاری تجمعات طبق قوانین عادی است. بر اساس «قانون احزاب» تشکل‌های رسمی باید از معاونت سیاسی وزارت کشور، برای برگزاری تجمع اعتراضی مجوز بگیرند. اما تشکل‌های رسمی نماینده واقعی مردم و مطالبات آنها نیستند. چون اساساً ارتباطات مردمی بسیار محدودی دارند.

از سوی دیگر روند دریافت مجوز برگزاری تجمع از جانب همان تشکل‌ها از وزارت کشور پراحتی اتفاق نمی‌افتد. در غائله اخیر از سوی تشکل رسمی، درخواست برگزاری تجمع اعتراضی به کمیسیون ماده ۱۰ احزاب وزارت کشور ارسال شد. اما مجوز نگرفتند. پس از مروری کوتاه بر غائله اخیر، برای پرس‌وجوی سر اینکه روند مجوزدهی به چه شکل است و چرا تشکل‌ها در طی حوادث اخیر مجوز نگرفتند به سراغ مدیرکل سیاسی وزارت کشور، عبدالله مرادی رقتیم و با او به گفت‌وگوی صریحی نشستیم.



# چرخه مقابله اغتشاشگران با امنیت

### فاطمه قاسمی

خبرنگار

گزارش

روزهای پایانی شهریور ۱۴۰۱ با خبری ناگوار همراه شد؛ مرگ دختری جوان به نام «مهسا امینی». دختری که توسط گشت ارشاد دستگیر شده و پس از عارضه قلبی به کما رفته و فوت می‌شود. گشت ارشاد که پیش از این با چند اشتباه حساسیت‌برانگیز شده بود، پس از این اتفاق بار دیگر بر سر زبان‌ها می‌افتد. قوت مهسا امینی بسرعت در شبکه‌های مجازی دست به دست شد و نارضایتی مردمی از عملکرد گشت ارشاد به خیابان می‌رسد. اولین تجمعات در روزهای پس از فوت مهسا امینی در گوشه و کنار تهران برگزار می‌شود. اختلال در اینترنت و کاهش روند اعتراضات همچون اعتراضات سال‌های اخیر حکایت از اتمام اعتراضات می‌دهد اما با همراهی زنجیره سلبریتی‌ها و رسانه‌های خارج نشین و معاند، جریان اعتراضات پس از گذشت سه هفته هنوز ادامه دارد. اعتراضاتی که در ابتدا با شعار «زن، زندگی، آزادی»، آغاز شد، به شعارهای ضد جمهوری اسلامی ختم می‌شوند و مسیر اعتراض بسرعت وارد فضای رادیکالیسم و آشوب می‌شود و اعتراض از ریل مسالمت‌آمیز خود خارج شده و رنگ و بوی خشونت، گاز اشک‌آور، باتون و کوکتل مولوتوف می‌گیرد؛ خیابان به جای بستر اعتراض به عرصه نبرد اغتشاشگران و نیروهای نظامی تبدیل می‌شود و رفته رفته امنیت جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

### شیوه مطلوب و قانونی برگزاری اعتراضات چیست؟

اعتراض و برگزاری تجمعات به‌عنوان یکی از گونه‌های مشارکت مردمی، بستری برای پیگیری مطالبات عامه مردم و دخالت دادن آنها در عرصه سیاست برای اصلاح وضع موجود جامعه است. اصل ۲۷ قانون اساسی با اشاره به اینکه «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است»؛ برگزاری هرگونه تجمعی که این شروط را زیر پا نگذارد، قانونی دانسته است. با وجود این اصل، قوانینی چون «قانون احزاب» از لزوم کسب مجوز برای برگزاری اعتراضات سخن گفته‌اند و اعتراضات بدون مجوز را غیر قانونی دانسته‌اند. این تفاوت بیان در میان قوانین، عرصه وهم‌آلودی را برای معترضین به وجود آورده تا آنجا که کسب مجوز و ضرورت آن برای برگزار کنندگان و مردم به ابهامی بزرگ تبدیل شده است.

کسب مجوز و عبور از فرآیند دریافت آن نیز به یکی از مراحل سخت برای برگزاری اعتراض کنندگان تبدیل شده است تا آنجا که معترضین عطا مجوز را به لقای آن می‌بخشند و تصمیم می‌گیرند تجمعات خود را بدون مجوز، ولو غیرقانونی برگزار کنند. برگزاری تجمعات غیر قانونی در سال‌های اخیر خود مؤید این اخلال در بستر برگزاری اعتراضات است و حاکی از لزوم فراهم آوردن راه‌های صحیح اعتراض و برگزاری آن است.

### رها شده در میان رسانه‌ها

اعتراضات شهریور مبتلا به فقدان رهبر، انسجام و ایدئولوژی در میان معترضین جدید بود. این فقدان در میان مطالبات و آترناتیوهای معترضین خود را نشان داد. افراد فاقد ایدئولوژی پراحتی می‌توانند تحت تأثیر عوامل خارجی و داخلی قرار گیرند و نارضایتی خودشان را در قالب اعتراض‌های وابسته به جریان‌های مختلف به اجرا برسانند؛ همچنین هدایت معترضین توسط سلبریتی‌های ورزشی و سینما تأیید کننده این مسأله بود. لزوم وجود احزابی پویا که بتوانند به‌صورت رسمی و قانونی پیگیر مطالبات باشند و از تند شدن اعتراضات و تبدیل آن به اغتشاش جلوگیری کنند در این جا بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. احزاب به‌عنوان حلقه واسط میان مردم و دولت می‌توانند به‌عنوان هدایتگر و لیدری برای اعتراضات، مطالبات را به‌طور قانونی پیگیری کنند. همچنین حضور پررنگ‌تر رسانه ملی در وقایع اخیر می‌تواند مانع از مرجعیت پوشالی رسانه‌هایی شود که با بزرگ‌نمایی‌هایی آغشته به دروغ به دنبال ماهی گرفتن از آب گل‌آلود هستند. بازگشت مناظرات تلویزیونی و حضور فعال تر صداوسیما در مباحث گفتمانی و تداوم این امر به بازگشت دوباره صداوسیما به مرجعیت فکری کمک می‌کند. در کنار تصحیح روند بسترهای اعتراضات و احیای احزاب، گفت‌وگو با نسل‌های جدید و کاهش شکاف‌های اجتماعی از راهکارهای بلند مدتی هستند که جامعه شناسان و کارشناسان برای حل این مشکل تجویز می‌کنند.



ناآرامی‌ها در خیابان‌های تهران



### ظهور نسل جدید معترض

بررسی اجمالی جمعیت معترض در شهریور حاکی از آن است که عمده معترضین نوجوانان و جوانان پایه ۱۵ تا ۲۴ سال هستند. در اعتراضات اخیر همچنین شاهد حضور پررنگ‌تر دانش‌آموزان دبیرستانی بودیم. این مسأله حاکی از ظهور نسل جدیدی از معترضین است، کسانی که ممکن است نه تجربه شرکت در اعتراضات سال‌های ۹۶ و ۹۸ را داشته باشند و نه اعتراضات سال ۸۸ را بدرستی درک کرده باشند. کسانی که به دلیل شرایط سنی‌شان در رویدادهای سیاسی سال‌های اخیر مشارکتی نداشته‌اند و حتی به سن قانونی برای شرکت در انتخابات نیز نرسیده‌اند و خیابان را تنها عرصه مشارکت‌آفرینی دیده‌اند. کسانی که نه در مدرسه شیوه اعتراض را آموخته و نه تصویر روشنی از اعتراض دارند. عماد افروغ، جامعه‌شناس با اشاره به نسل جدید معترض بیان کرد: «این نسل، نسل رها شده یا نسل طرد شده است. جایی گفتم این شورش طرد شدگان است. ما واقعاً نمی‌نشینیم فکر کنیم که چرا اینقدر تبعیض در کشور داریم؟ جوان چه زمانی باید احساس کند که یک میدان آزاد رقابتی وجود دارد که او هم می‌تواند رقابت کند؟ شما باید میدان بدهید، تبعیض‌ها و امتیازات ناروا را بردارید و اجازه بدهید که نخبگان و روشنفکران بیایند به‌عنوان حلقه واسط عرصه داغ مدنی و عرصه منجمد و یخ‌زده دانشگاه مشارکت کنند.»



وقتی اغتشاشات آغاز می‌شود، درخواست تجمع یک حزب بیشتر از آنکه به دنبال نهادینه کردن حق اعتراض و مطالبه‌گر فضای اجتماعی تلقی شود، پیگیری یک فرصت و موج سواری سیاسی تلقی می‌شود